

# دهه هفتاد

روی دوش

# دهه شصت

ایستاده است

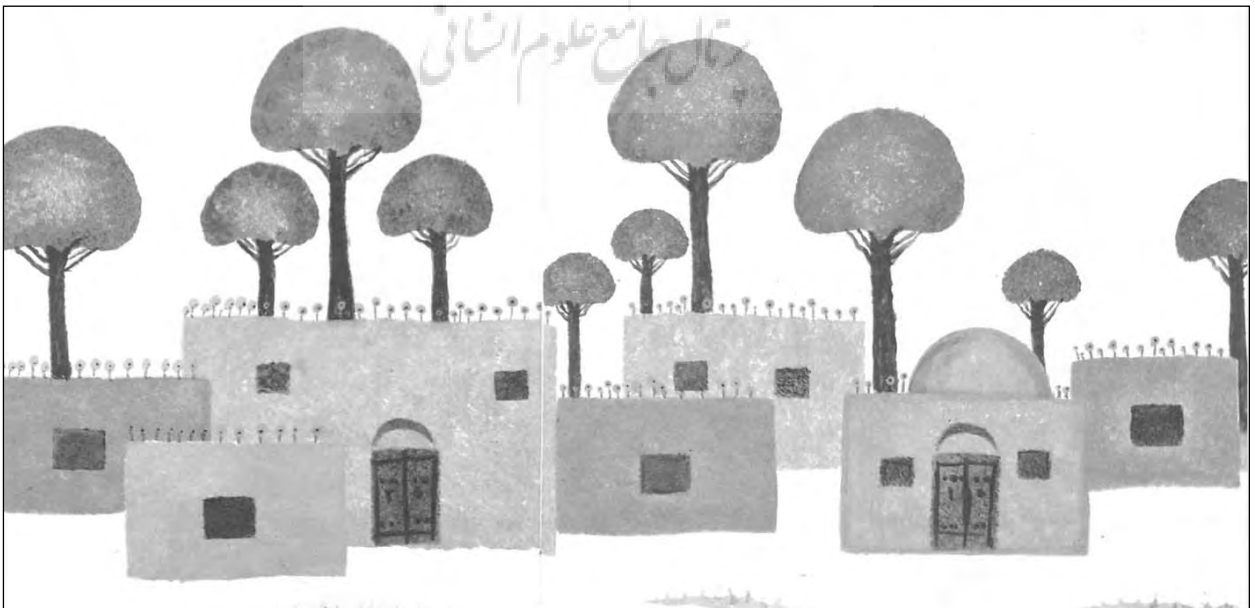
گزارش  
بیست و یکمین  
نشست  
نقد  
آثار  
تصویری  
کودک  
و  
نوجوان  
یکشنبه ۸۲/۳/۱۱

خانه هنرمندان که جمعیتی بالای ۱۵۰ نفر آمدند و دوستان، دیدگاه‌های مختلف‌شان را گفتند و ما با توجه به تجربیاتی که از قبل داشتیم، به یک سری ملاک‌هایی رسیدیم که عرض می‌کنم. شرایط عمومی عضویت در این انجمن، داشتن ۵ کتاب تصویری است، اما چیزهای دیگر هم امتیازآور است. مثلاً کسی ممکن است فقط طرح جلد ده کتاب را کشیده و طرح داخلی کار نکرده باشد. در این مورد، گفتیم که چهار طرح جلد، می‌تواند جای یک کتاب تصویری و چهل کار مطبوعاتی، جای یک کتاب تصویری را بگیرد.

اکرمی: سرکار خانم افتخاری، می‌خواهم از شما در مورد امکانات کتابخانه شورای کتاب کودک که یک کتابخانه تحقیقاتی است، اطلاعاتی بگیریم. دوستان

اکرمی: با عرض سلام و خوش‌آمدگویی خدمت آقایان اکبر نیکان‌پور، مرتضی اسماعیلی و سهی و همچنین بقیه دوستان. روز ۲۸ اردیبهشت ماه، اولین مجمع عمومی تصویرگران برگزار شد. اگر یکی از دوستان زحمت بکشند و خبر این مجمع عمومی را به ما بدهد. ممنون می‌شویم.

حجوانی: جلسه‌ای که برای انجمن تصویرگران تشکیل شد، در واقع یک پیش جلسه بود. هیأت مؤسس احساس کرد که برای عضوگیری در این انجمن، بهتر است نظریات خود تصویرگران هم اخذ شود. درست است که برطبق اساس‌نامه، خود هیأت مؤسس می‌تواند تصمیم بگیرد. که ملاک‌های پذیرش عضو در انجمن چه باشد، ولی جلسه‌ای ترتیب دادیم در





آقای خائف، خانم گل محمدی، خانم تقوی، آقای دادگر، آقای امیرسلماسی، خانم خسروی و آقای محمدعلی کشاورز. عمدتاً در دهه ۶۰ چاپ شده‌اند. دوستان در گروه‌های ۷ تا ۱۰ نفره می‌توانند ۲ تا ۳ کتاب از یک تصویرگر را موضوع کارشان قرار دهند و به این سؤال جواب دهند که این تصویرگر، چه نقشی در دهه ۶۰ داشته و کارش چقدر مؤثر بوده؟ آیا می‌توانیم این کارها را به لحاظ تاریخی، ادامه دهه ۴۰ و ۵۰ بدانیم؟ هم‌چنین، چه تأثیر بر روند تصویرگری در دهه ۷۰ و این دو سالی که از دهه ۸۰ گذشته، گذاشته است؟

**در این بخش، حاضران به گروه‌های چند نفری تقسیم شدند و هر گروه، بخشی از کتاب‌های نمایشگاه را بررسی کرد. سپس نماینده گروه‌ها، نتایج گفت‌وگوی شان را ارائه کردند.**

**فاطمه رادپور:** گروهی که من با آن‌ها کار کردم، یک گروه خوب دانشجویی بود که من از همکاری با آن‌ها لذت بردم. ذهن‌شان خیلی فعال بود. قبل از این که راجع به جهت اصلی کار صحبت کنیم، اشاره‌ای داشته باشم به وضعیت دهه ۶۰ و این که این کتاب‌ها در چه فضا و زمینه‌ای شکل گرفت. سال‌های دهه ۶۰، به سبب ادبیات جدیدی که تحت

چطور می‌توانند از آن کتابخانه استفاده کنند و شما چه امکاناتی در اختیار آن‌ها می‌گذارید؟  
**افتخاری:** من کتابدار کتابخانه تحقیقاتی هستم و بسیاری از هنرمندان جوان ما این سازمان را نمی‌شناسند و از امکاناتی که می‌تواند در اختیارشان می‌گذارد، آگاهی ندارند. کتابخانه شورا یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های کودک و نوجوان است که مجموعه‌ای حدود ۲۷ هزار عنوان کتاب را شامل می‌شود.

ما حدود ۲۲ هزار کتاب فارسی و ۵ هزار کتاب لاتین داریم و دوستان با گذاشتن یک کارت شناسایی، می‌توانند از کتاب‌ها استفاده کنند. ما علاوه بر کتاب، حدود ۶۰۰ پوستر خارجی داریم که منبع خوبی است برای استفاده نه تنها تصویرگران، بلکه دانشجویان رشته‌هنر. علاوه بر این، شورا هر سال کارگاه آشنایی با ادبیات کودک را برگزار می‌کند تا تصویرگران، باین مقوله بیشتر آشنا شوند. علاوه بر مجموع کتاب‌های نظری، نوارهای ۱۷ دوره کارگاه آشنایی با ادبیات کودک، در اختیار ماست که دوستان می‌توانند از این نوارها، به عنوان یک منبع نظری استفاده کنند.

**اکرمی:** خانم افتخاری، دوستان می‌توانند کتاب از شورا بیرون ببرند؟  
**افتخاری:** خیر. کتابخانه تحقیقاتی، حتی به اعضای خودش هم کتاب برای بیرون بردن نمی‌دهد. مکان کتابخانه شورا، خیابان ابوریحان، خیابان شهید نظری، پلاک ۶۹ است.  
**اکرمی:** ممنون. دوستان نمایشگاه کوچک ما را در این جلسه دیدند، یعنی کتاب‌هایی که این جاست (از خانم معصومیان، آقای نیکان‌پور، آقای همتی، آقای کریم نصر، آقای بهزاد غریب‌پور، آقای بنی‌اسدی، آقای زرین‌کلک، آقای اسمعیلی سهی،



تأثیر انقلاب و جنگ خلق شده با ادبیات دهه ۴۰ و ۵۰ تفاوت‌های مهمی دارد. در واقع، بین ادبیات قبل و بعد از انقلاب، فاصله افتاد. این تغییر و تحولات، روی ادبیات کودک هم بی‌تأثیر نبود. یکی از تصویرگرانی که در گروه ما درباره کارهایش صحبت شده آقای بنی‌اسدی است که ما بخش عمده بررسی خودمان را روی کارهای ایشان انجام دادیم. روی ۶ کتاب کارکردیم (سفر به شهر سلیمان، بزغاله و پرنده‌ها، جام و شبتاب‌ها، گل بادام، افسانه اژدها و آب، من غنچه شدم) و نحوه برخوردشان نسبت به کار و تأثیر رنگ روی کارها و... را سنجیدیم و دیدیم که کارهای آقای بنی‌اسدی، با رنگ عجیب و در آمیخته است. موضوعاتی را که ایشان تصویر کرده‌اند،



موضوع‌های داستانی، مذهبی و افسانه‌ای است و ارتباط متن با تصویر، ارتباطی هماهنگ به نظر می‌آید. البته، در مورد متن‌های داستانی، این ارتباط گسسته به نظر می‌رسد و تصویر، فقط به لحاظ فرم مستقل عمل می‌کند و شخصیت‌سازی و تیپ‌سازی‌شان تغییری نکرده بود. این ویژگی نشان می‌دهد که کار مال ایشان است.

**آناهیتا تیموری:** کتاب‌های تصویری دهه ۶۰ کتاب‌هایی است که حتی اگر بین ده‌ها کتاب هم باشد، کاملاً مشخص است. دلیلش این است که در دوره خاصی شکل گرفته‌اند و حتی اگر موضوع‌شان جنگ نباشد، باز هم تحت تأثیر فضای آن دوره‌اند. در آن سال‌ها روی کار تصویرگری کتاب کودکان، چندان نظارتی نبود. ما آثار آقای دادگر و آقای خائف را بررسی کردیم. رنگ‌ها خیلی تیره و فضای کارها عموماً خاکستری است. شاید چون کتاب‌ها مذهبی است، چنین فضای غم‌انگیزی در این کتاب‌ها وجود دارد که برای من خیلی خوشایند نیست.

**فرشید شفیعی:** فکر می‌کنم که گروه ما گروه خیلی هماهنگی بود. ما روحیه پژوهشگرانه نداشتیم و این خیلی خوب بود. ما کارهای دو نفر را بررسی کردیم؛ یکی آقای زرین کلک و یکی آقای همتی آهویی. کارهای آقای زرین کلک، شاید تحت تأثیر فضای انیمیشن، روایتی تصویری است. برعکس، آقای آهویی در کارشان، تمایلات نقاشانه وجود دارد.

اساساً این دست کارها، کارهایی نیست که ما فکر کنیم روی دوره‌های بعدی کارشان تأثیر گذاشته یا ماندگاری خاصی داشته باشد. در این کارهایی که ما دیدیم، اتفاق برجسته‌ای نیفتاده که بخواهیم به آن بپردازیم.

**عطیه مرکزی:** باتوجه به صحبت‌های رادپور، من هم معتقدم که در آن زمان، همه درگیر جنگ و تغییرات ایجاد شده بودند و ما تحولی در کتاب‌ها و شعرها و تصویرهای مان نداشتیم. در این دهه، هیچ کتابی که واقعاً جهشی در تصویرگری کتاب کودک ایجاد کرده باشد، نداریم. البته کتاب «آب یعنی ماهی» آقای نصر، از نظر تنوع فرم، دید آزاد و خلاقیت چشمگیر است. این کتاب، تأثیر همه جانبه‌ای روی کار تصویرگران دیگر گذاشت. وقتی ما این کارها را در پیشینه دهه ۶۰ داریم، چرا نباید دست پرتی در دهه ۶۰ داشته باشیم؟

**نسیم آزادی:** کارهایی که ما بررسی کردیم، متعلق به خانم مهرنوش معصومیان و آقای محمدعلی کشاورز بود. ما معتقدیم که کارهای خانم معصومیان، خیلی صمیمی است. با این که تا حدودی یک‌نواخت و شبیه به هم است، ولی سادگی و جذابیت دارد و برای بچه‌ها خوب و مناسب است. در ضمن، ایشان توانستند بین گروه سنی الف و ب، خیلی خوب ارتباط برقرار کنند و فضای سفیدی که در کارشان وجود دارد، باعث می‌شود که کسان دیگری که کارشان را می‌بینند، وارد کارشان شوند. در واقع، به مخاطب اجازه خلاقیت می‌دهد. در مورد کار آقای کشاورز، همه معتقد بودند که خلاقیت زیادی ندارد و امکان تخیل به بچه نمی‌دهد.

**فریده شهپازی:** خانم معصومیان خیلی ساده و صمیمی برخورد می‌کنند. البته شاید از نظر زیبایی‌شناسی، کارشان خیلی جالب نباشد. به نظر من، اوج کارشان در کتاب لالایی است.

**علیرضا گلدوزیان:** نظر گروه ما هم خیلی

مشابه نظر گروه‌هایی دیگر است. ما روی کتاب‌های آقای همتی آهویی کار کردیم و من فکر می‌کنم کار سنگ‌های آقای آهویی کارهایی خوب و در آن دوره، کار متفاوت‌تری بوده است.

**اکرمی:** ما امروز در خدمت آقایان سهی و نیکان پور هستیم. کتاب «برگ‌ها» از آقای اسمعیلی سهمی، چاپ کانون پرورش فکری کودک و نوجوان در سال ۶۳، جایزه اول نمایشگاه بولونبیای ایتالیا را در



مرتضی اسماعیلی سهی







اکبر نیکان پور



سال ۶۴ کسب کرد. در مورد آقای نیکان پور هم کتاب «اندازه دنیا»، چاپ نهاد هنر و ادبیات در سال ۶۹ یا ۱۹۹۰ میلادی، برنده دیپلم افتخار جهانی لاتیون فرانسه شد. ما در کار آقای نیکان پور، سادگی را آشکارا می‌بینیم. ما آقای سهی را از نگاه خاص‌شان به اطراف، در مجموعه «دوباره نگاه کن» کتاب برگ‌ها و کتاب پارچه‌ها و صدف‌ها که سه کتاب با ارزش از مجموعه کتاب‌های دوباره نگاه کن کانون پرورش فکری است، می‌شناسیم. آقای نیکان پور، خوشحال می‌شویم که صحبت‌های شما را بشنویم.

نیکان پور: من خیلی خوشحالم. حقیقتش خیلی کم حرفم و حرف بلد نیستیم بزنم؛ چون آذری زبان هستیم، باید ترجمه کنیم در ذهنم و بعد با شما فارسی صحبت کنیم! در هشت سال اخیر هم کم‌تر آفتابی شده‌ام و در سایه بودم؛ چون از سایه خوشم می‌آید. کمی هم دچار بی‌انگیزگی شده‌ام. با وجود این، کار خودم را می‌کنم. من خیلی خوشحال می‌شوم که آقای سهی صحبت کنند. حقیقتش از سخنوری خوشم نمی‌آید. فقط نکته‌ای را خدمت‌تان عرض می‌کنم. من خودم در جنگ بودم در دهه ۶۰، آن را لمس کردم و با آن زندگی کردم. یک بار هم شیمیایی شدم. من در مطبوعات، ده سالی کار کردم و دوستان را جمع کردم که تصویرسازی را با نگاه دیگری شروع کنیم. در دهه ۵۰، تصویرگری به شکلی درست انجام می‌شد و در دهه ۶۰ نیز کارهای دیگری شروع شد که خود دنیای متفاوتی است و باید آن را باز کنیم.

اکرمی: آقای نیکان پور، همه دوستان به تفاوت‌هایی بین دهه ۶۰ و دهه‌های دیگر اشاره داشتند. حالا اگر خودتان بخواهید ساده جمع‌بندی کنید و تفاوت‌های اصولی را بگویید، به چه چیزهایی اشاره می‌کنید؟

نیکان پور: من در دهه ۵۰ دانشجوی بودم. من آدم کانون که آقای مثقالی، مسئول گرافیک آن جا بود. درواقع، شاگرد ایشان بودم و از ایشان تأثیر گرفتم. دهه ۵۰ منظم و منسجم بود. پراکنده نبود و می‌دانستند از چه کسانی حمایت کنند. شرایط پربار و ثمربخشی بود، ولی در دهه ۶۰ پراکندگی و گستردگی خاص وجود داشت. عده‌ای می‌خواستند ناشر شوند، ولی کار بلد نبودند. شروع کار ما در دهه ۶۰ بی‌نظم بود، ولی این جا و آن جا کارهای خوبی انجام می‌شد و تک و توک، جایزه هم می‌گرفتیم. با این حال، من از دهه ۶۰ راضی نیستم. پراکنده و آشفته بود؛ هم نشر و ناشران، هم تصویرسازان و هم نویسندگانش و شاعران.

اکرمی: آقای سهی، حالا شما راجع به خودتان، فعالیت‌تان و ادامه بحثی که درباره دهه ۶۰ داریم،

صحبت کنید.

سهی: ما در فصل بهار هستیم؛ فصلی که طبیعت زیباترین جامه خود را به بر می‌کند و به بیانی، نقاش چیره‌دست طبیعت، زیبایی‌های بی‌نظیر می‌آفریند. من به زیبایی اشاره می‌کنم؛ چون می‌خواهم بگویم که کودکان به وسیله تصویر، چگونه مجذوب کتاب می‌شوند. وقتی نگاه می‌کنیم به تصویرگران و هنرمندان خودمان، کم و کاستی‌هایی که حس می‌کنیم داریم، در کارمان و در تصویرسازی کتاب‌مان هم وارد می‌شود. وقتی ما به سال‌های قبل از دهه ۶۰ برمی‌گردیم، می‌بینیم که اداره‌کنندگان حکومت، به این فکر می‌افتند که باید کار زیربنایی برای کودکان بکنند؛ حالا چه از نظر ادبیات کودک و چه از نظر تصویرگری. بنابراین، آدم‌های نخبه‌ای پیدا می‌کنند و به آن‌ها امکانات می‌دهند. ما تصویرسازان خوبی در آن دوره داشتیم و کتاب‌های آن دوره شاخص بود. خب این روند پس از انقلاب قطع شد. وقفه‌ای افتاد و وقتی تصویرسازان جدید شروع به کار کردند، مایل بودند تغییراتی در بینش اجتماعی و بصری ایجاد کنند. بنابراین، نوع کارشان هم باید متفاوت می‌بود. سال‌های دهه ۶۰، از یک لحاظ زمینه گسترده‌ای بود که هر کسی می‌توانست قلم به دست بگیرد و سفارش‌دهنده‌ای وجود نداشت. کتاب برگ‌ها، در سال ۱۹۸۵، اولین جایزه بولونیا را کسب کرد. آن سال‌ها تلاش تصویرگر و خلاقیت او اصل بود. تعدادی تصویرگر جوان و پرنرژژی، با پویایی خاصی شروع کردند به تجربه‌گری. البته، وحشت هم داشتند؛ چون تصویرگران دهه گذشته قدر بودند و این‌ها باید توانایی این را می‌داشتند که بتوانند پا جای پای آن‌ها بگذارند. ما جوان‌های آن موقع، این جسارت را کردیم و چند کار انجام دادیم و کانون دوباره فعال شد. تفاوت عمده دهه ۶۰ این بود که کشور درگیر جنگ بود و به بعضی از هنرمندان، مثل آقای خائفه، مدام داستان جنگی می‌دادند که کار کنند. دهه سختی بود، ولی من احساس می‌کنم که تصویرگری ما آینده روشنی دارد. می‌توانم بگویم که بهترین تصویرگران را در کشورمان داریم. متأسفانه در دهه ۶۰ خیلی راحت توی سر تصویرگر می‌زدند. حتی





و ۶۰ وجود دارد. در دهه ۵۰، مدیریت متمرکز فرهنگی وجود داشت و کار را جمع و جور می‌کرد، ولی در دهه ۶۰، مدیریت به هم ریخت. کار تصویرساز را به رسمیت نمی‌شناختند. ما می‌توانیم از دو جنبه به کارها نگاه کنیم؛ یکی کیفیت و دیگر کمیت. تعداد تصویرسازان دهه ۴۰ و ۵۰، در قیاس با تعداد تصویرگران دهه ۶۰، خیلی کم است. البته، تعداد کارهای تصویرگران دهه ۶۰ به نسبت تعداد تصویرسازان، خیلی قابل توجه نیست. اما از نظر تنوع، دهه ۶۰ متنوع‌تر است در قیاس با دهه ۴۰ و ۵۰ پس دهه ۶۰، دوره بدی نیست. هرچند از نظر کیفی، رشدی نداشت. به گمان من، ما حتی در دهه ۷۰ و در حال حاضر نیز به لحاظ تعداد کارها و نیز تنوع تصویرگری، مشکل داریم.

**نیکان پور:** ما باید ساختار هنر کودکان را بیشتر از این‌ها در نظر می‌گرفتیم. به طور کلی، بستر هنری خاصی نداشتیم. باید مسایل بنیادی تصویرگری را تحلیل کنیم. از این پراکنده‌گویی‌ها نمی‌توانیم نتیجه‌ای بگیریم. ما هنوز کتاب تئوری تصویرسازی در این کشور نداریم. ما هنوز نظریه‌ها و پیش‌فرض‌ها را نمی‌دانیم. ما نمایشگاه‌های هنری نداریم. اگر بخواهیم کار اساسی شود، باید آدم‌هایی که زحمت کشیده و متخصص هستند، بیایند تا بتوانیم نتایج خوبی بگیریم.

**حسین نظری:** از کارهای ماندگار دهه ۶۰ می‌شود به نمایشگاه تصویرگران اشاره کرد. این یک حرکت ماندگار و ادامه‌دار بود که در سال ۶۸ شروع شد.

**اکرمی:** با تشکر از آقای نیکان‌پور و آقای اسمعیلی سہی و با تشکر از حضور همه دوستان. خدانگهدار.

اسم کس دیگری را روی کتاب می‌گذاشتند و حق و حقوق تصویرگران رعایت نمی‌شد. همه تصویرگران دهه ۶۰ با تلاش خودشان به این جا رسیدند. آن موقع، هرکسی از کار ایراد می‌گرفت و دخالت می‌کرد، ولی الان کار را به تصویرگر محول می‌کنند و به تصویرگر اعتماد دارند. وضع در دهه ۷۰ طبیعی‌تر بود. ناشران تا حدودی تثبیت شده بودند و به لحاظ مالی، می‌توانستند روی پای خود بایستند. در ضمن، حالا دیگر تصویرگران را می‌شناسند. من فکر می‌کنم با در نظر گرفتن آن شرایط، تصویرگران در دهه ۶۰، کار خود را به خوبی انجام دادند. البته، باید مطالعه جدی روی ساختار و زیبایی‌شناسی هنر ایرانی شود. این خیلی ضرورت دارد برای هنرمند ایرانی که می‌خواهد به جاهای دیگر دنیا برود و نشان دهد با این که بین‌المللی کار می‌کند، هنوز هویت خود را دارد. من دلم می‌خواهد دهه ۶۰ را زیاد نکوییم؛ چون خیلی فعالیت کردیم در این دهه و استخوان‌ها خرد شد.

**بهزاد غریب‌پور:** به نظر من، در مورد دهه ۶۰ بی‌رحمی کردیم. دهه ۶۰، دوره تحول کاملاً اساسی است. جوان‌ها شروع به نقاشی کردند. و این جوان‌ها از صفر شروع کردند و موقعیت نداشتند. همین جوایزی که در دهه ۶۰ به دست آمد، نشانگر موفقیت‌هایی بوده است. هنرمند در فضا و شرایط به جامعه، تلاش خود را کرده در دهه ۶۰، زندگی روزمره وارد تصویرگری می‌شود و قطعاً زندگی روزمره نقاشی خاص خود را می‌خواهد. دهه ۶۰ پایه‌ای است که تصویرگران در دهه ۷۰ بر اساس آن رشد کردند. به نظر من، باید با دیدی منصفانه‌تر درباره تصویرگری دهه ۶۰ قضاوت کرد.

**پرویز اقبالی:** من به آقای سہی حق می‌دهم؛ چون در دهه‌های دهه ۶۰ را شاهد بودم. آن موقع من مربی نقاشی در کانون بودم. تفاوت‌هایی بین دهه ۵۰

#### تصحیح و پوزش

در گزارش نشست تصویرگران شماره ۶۸، لیلا حائری کارشناس روابط بین الملل کانون، به عنوان مدیر روابط بین الملل کانون معرفی شده بود که بدینوسیله تصحیح می‌شود